



دانشگاه سیام نور
پی

روستا ۲

(رشته مهندسی معماری و شهرسازی)

مهدیه احمدی

دکتر حمیدرضا عامری سیاهویی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست مطالب کتاب

نه	پیشگفتار
۱	فصل اول. روستا و مسکن روستایی
۱	اهداف کلی
۱	اهداف رفتاری
۱	مقدمه
۶	۱-۱ معماری و امنیت معماری در روستا
۷	۲-۱ انواع خانه‌های روستایی
۸	۳-۱ امنیت معماری در روستا
۱۰	سؤالات چهارگزینه‌ای
۱۱	سؤالات تشریحی
۱۳	فصل دوم. فرهنگ روستایی
۱۳	اهداف کلی
۱۳	اهداف رفتاری
۱۳	مقدمه
۱۴	۱-۲ تعاریف و مفاهیم فرهنگ
۱۸	۲-۲ پژوهش‌های فرهنگی و ترویج روستایی
۲۶	۳-۲ نتیجه‌گیری
۲۹	سؤالات چهارگزینه‌ای
۲۹	سؤالات تشریحی
۳۱	فصل سوم. ویژگی‌های جمعیتی روستایی
۳۱	اهداف کلی
۳۱	اهداف رفتاری

۳۱	۱-۳ ویژگی‌های جمعیتی روستاهای ایران
۳۲	۲-۳ تحولات تاریخی جمعیت روستایی ایران
۳۳	۳-۳ اطلاعات جمعیتی روستاهای ایران
۴۲	۴-۳ وجوه تمایز روستا از شهر در روند تاریخی آن
۴۲	۵-۳ تحول جمعیت روستایی در ایران
۴۶	۶-۳ ترکیب جمعیت روستایی
۴۸	۷-۳ حرکات جمعیت روستایی
۵۶	۸-۳ جمعیت قشرهای اجتماعی روستاهای ایران
۶۲	۹-۳ زندگی اجتماعی روستاهای ایران
۷۳	۱۰-۳ معماری و ساختار خانواده
۷۴	۱۱-۳ ویژگی‌های دموگرافیک خانواده روستایی در ایران
۷۷	۱۲-۳ ساختار خانواده
۸۳	سؤالات چهارگزینه‌ای
۸۴	سؤالات تشریحی

۸۵	فصل چهارم. توسعه و آسیب‌پذیری
۸۵	اهداف کلی
۸۵	اهداف رفتاری
۸۵	مقدمه
۸۶	۱-۴ مفهوم توسعه
۸۹	۲-۴ نگاهی به تاریخچه بحث توسعه
۹۱	۳-۴ توسعه از جوانب گوناگون
۹۴	۴-۴ راهبردهای توسعه روستایی
۹۹	۵-۴ رویکردهای نظری توسعه روستایی در خارج از ایران
۱۰۳	۶-۴ رویکردهای نظری توسعه روستایی در داخل ایران
۱۰۶	۷-۴ شاخص‌های توسعه
۱۰۹	۸-۴ روش‌های برنامه‌ریزی برای توسعه فیزیکی روستا
۱۱۰	سؤالات چهارگزینه‌ای
۱۱۱	سؤالات تشریحی

۱۱۳	فصل پنجم. شناسایی منطقه‌ای (حوزه نفوذ)
۱۱۳	اهداف کلی
۱۱۳	اهداف رفتاری
۱۱۳	مقدمه
۱۱۶	۱-۵ تعاریف لازم مرتبط با موضوع
۱۱۸	۲-۵ تعریف حوزه نفوذ
۱۲۲	۳-۵ پیوند حوزه نفوذ و فضا
۱۲۳	۴-۵ مفهوم مرکزیت در حوزه نفوذ
۱۲۴	۵-۵ عملکرد مغناطیسی مرکز و حوزه
۱۲۸	۶-۵ جمع‌بندی کلیات موارد ذکر شده
۱۳۰	سؤالات چهارگزینه‌ای
۱۳۱	سؤالات تشریحی

۱۳۳	فصل ششم. اصلاحات ارضی
۱۳۳	اهداف کلی
۱۳۳	اهداف رفتاری
۱۳۳	۱-۶ تعریف اصلاحات ارضی
۱۳۶	۲-۶ تحلیلی از برنامه اصلاحات ارضی ایران
۱۴۰	۳-۶ مراحل مختلف اصلاحات ارضی
۱۴۶	۴-۶ تحلیلی بر مجموعه قوانین اصلاحات ارضی و گرایش و سیاست‌های مالکیت ارضی دولت
۱۵۲	۵-۶ نتایج اقتصادی اصلاحات ارضی
۱۵۳	۶-۶ اصلاحات ارضی و منابع آبیاری
۱۵۵	سؤالات چهارگزینه‌ای
۱۵۵	سؤالات تشریحی
۱۵۷	فصل هفتم. دیباچه‌ای بر شناخت روستا و طراحی بافتی از روستا
۱۵۷	اهداف کلی
۱۵۷	اهداف رفتاری
۱۵۷	مقدمه
۱۶۰	۱-۷ معرفی روستای نوشیروان کُلا اقلیم معتدل و مرطوب
۲۰۹	۲-۷ معرفی روستای کیگا اقلیم سرد
۲۵۸	سؤالات چهارگزینه‌ای
۲۵۸	سؤالات تشریحی
۲۵۹	نتیجه‌گیری از مباحث مختلف این کتاب
۲۶۵	منابع

پیشگفتار

بی شک شکوفایی و رشد نظام صنعتی و اقتصادی کشورهای پیشرفته را باید مرهون درک صحیح مفاهیم توسعه، تحقیق و شناخت ارتباط منطقی و برنامه‌ریزی شده بین این دو دانست. زیرا هرچه ارتباط این دو منطقی‌تر تنظیم شده باشد، بهره‌گیری و نمود آن در نظام رشد اقتصادی بیشتر آشکار می‌شود.

جامعه ایران طی چند دهه گذشته با تحولات اجتماعی بسیاری مواجه بوده، به‌طوری‌که افق امکانات و انتخاب‌ها در آن به‌تدریج تغییر کرده است. بهبود وضعیت آموزش، بهداشت، رشد و توسعه خدمات و تأسیسات زیربنایی و گسترش وسایل ارتباط جمعی از نشانه‌های بارز این تحولات بوده که مجموع جوامع شهری و روستایی را تحت تأثیر قرار داده است.

با توجه به وسعت کشور ایران از وجود عوارض طبیعی و جغرافیایی مختلف در این سطح گسترده که موجب بروز شرایط آب و هوایی کاملاً متفاوتی در مناطق مختلف کشور می‌شوند، لزوم بررسی معماری اقلیمی و پیش‌بینی شکل خاصی از محیط‌های ساخت انسان برای هر یک از مناطق اقلیمی ضرورتی انکارناپذیر است. به‌طوری‌که بتوان با بهره‌گیری از نیروهای طبیعی شرایط نسبتاً مناسبی را در بخش عمده‌ای از سال، در ساختمان‌های مسکونی و عمومی ایجاد کرد، همان‌گونه که در گذشته در کلیه فضاها، چه شهری و چه روستایی کاربرد داشت.

ایران سرزمینی پهناور با تمدنی کهن، اقلیمی متنوع و اقوامی گوناگون است که سکونتگاه‌های شهری و روستایی، با سیما و هویت خاص خود، در گوشه و کنار آن

استقرار یافته‌اند. هرچند تحقیق و پژوهش درباره معماری و شهرسازی ایران موضوعی است که جای بررسی بسیار دارد، اما مقایسه تحقیقات انجام شده درباره مناطق روستایی با آنچه در زمینه مطالعات معماری و شهرسازی صورت گرفته است، لزوم پژوهش بیشتر در زمینه معماری روستایی ایران را نشان می‌دهد. وجود ۶۸۱۸۲ روستا، که حدود ۶۰٪ مساحت کشور را شامل می‌شود، پژوهش در این حوزه را مشکل کرده است. اما در مقابل کمبود منابع معماری در این زمینه، وجود نمونه‌هایی ارزشمند از معماری بومی و اهمیت ارائه اطلاعات درباره ویژگی‌های فضاهای روستایی، مطالعه در این خصوص را ضروری کرده است.

شناخت ویژگی‌های معماری بومی و روستایی و یافتن راه‌حل‌های معمارانه می‌تواند به روشن شدن ظرافت‌های این معماری و تهیه طرح‌های مناسب کمک شایانی کند. همچنین روستاهای واجد ارزش معماری، محدودیت‌های زمانی و مشکلات عملیات میدانی، منجر به انتخاب و ارائه تعداد محدود دو نمونه از نمونه‌های موجود در این کتاب و دو نمونه دیگر از نمونه‌ها در کتاب «روستا ۱» شد.

مجموعه حاضر تلاشی هرچند کوچک در راستای شناساندن ارزش‌های نهفته و مغفول معماری این مرز و بوم بوده که هرازگاهی در موقعیت‌های مختلف به‌صورت گذرا، چشم نواز و تحسین برانگیز بوده و نظر رهگذران را به خود جلب کرده و ما را به تحسین میراث گذشتگان به‌عنوان آثار معماری حاوی ارزش وادار می‌کند. بر جامعه متخصص، محققین و خصوصاً جامعه معماری لازم است که با توجه ویژه به این ارزش‌ها، آثار و نشانه‌ها و تطابق آن با وضعیت اجتماعی-اقتصادی روز به سمت احیای هویت معماری کشور بپردازند.

کتاب حاضر در واقع بخشی از معرفی و تحقق برنامه‌ای منسجم و گسترده جهت انجام مطالعات و پژوهش‌های مرتبط با مقوله معماری روستایی است که یکی از اهداف آن شناسایی اشکال، احجام، فرم‌ها، مصالح و شیوه و اسلوب اجرای خانه‌های روستایی، به‌منظور دستیابی به قانونمندی‌های حاکم بر شکل‌گیری فضاهای با ارزش روستایی بوده است.

مقصود اصلی از پژوهش و جمع‌آوری و بازبینی صورت گرفته در کتاب پیش روی، ارائه رهنمودها و معیارهای شناخت معماری سنتی ایران و به تبع آن معماری روستایی ایران می‌باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر در دو بعد نظری و میدانی به

انجام رسیده است. برای انجام مطالعات میدانی، بیش از ۵۰۰ نمونه موردی از روستاهای موجود در کشور در هر چهار اقلیم آن انتخاب شد و با توجه به شرایط محیطی، اقلیمی، اقتصاد روستایی، نوع ساختمان کاربری‌های متنوع در روستا و مانند آن، وضعیت آن‌ها را از نظر کمی و کیفی از سه طریق مصاحبه و تکمیل پرسشنامه، مشاهده و برداشت میدانی (رولووه) و مطالعات کتابخانه‌ای از اسناد و مدارک واجد ارزش جمع‌آوری و تشریح شده است.

مقایسه و جمع‌بندی نتایج به‌دست آمده از مطالعات نظری و میدانی، به اصول و ضوابطی مبسوط دست یافته که تلاش کرده‌ایم آن‌ها را هرچند مختصر در دو جلد کتاب مذکور به‌صورت خلاصه بیان کرده تا به‌عنوان منبعی در دسترس دانشجویان گرامی و اساتید محترم و همین‌طور عزیزان مشتاق یادگیری این امر، قرار گیرد.

همچنین در این کتاب به‌منظور توانایی بخشیدن به دانشجویان برای طراحی در یک بافت روستایی، مطالبی گردآوری و تدوین شده است که دانشجویان می‌توانند ضمن مطالعه مطالب، با عوامل مختلف طبیعی و انسانی که در شکل‌گیری معماری روستایی مؤثرند، آشنا شده و این قبیل موارد را برای طراحی‌های موفق رعایت کرده تا به طرح فضایی قابل سکونت و زندگی روستاییان دست یابند. موفقیت طرح در گرو فهم و لمس دقیق زندگی و معماری روستایی؛ و هم‌سویی و هم‌آهنگی طرح با مجموعه روستا، روابط و سنن آن می‌باشد. لذا توصیه می‌شود علاوه بر دانشجویان گرامی، اساتید و کلیه عزیزانی که به معماری سنتی ایرانی علاقه دارند، به مطالعه کتاب حاضر بپردازند. امید است این جمع‌آوری و تلاش برای آن با توجه به نیاز جامعه جهت احداث فضاها و مکان‌هایی مناسب استفاده‌کنندگان آن، رهنمودهای مناسبی جهت طراحی معماری مناسب و مفید ارائه کند.

در پایان لازم می‌دانیم قدردانی خود را از کلیه عوامل دست‌اندرکار که با حمایت خود زمینه چاپ این اثر را فراهم کردند، ابراز داریم. در اثنای مطالب کتاب نیز از نوشته‌های عالمان این بحث استفاده شده که در اینجا لازم می‌دانیم از آنان تشکر کرده که با مشعلی فروزان به نام «دانش» این مسیر را برای پژوهشگران و محققان بعدی روشن می‌کنند.

حمیدرضا عامری سیاهویی

مهدیه احمدی

زمستان ۱۳۸۸

فصل اول

روستا و مسکن روستایی

اهداف کلی

در پایان فصل، دانشجو با مفاهیم زیر آشنا می‌شود:

۱. معماری روستایی
۲. انواع مسکن روستایی
۳. امنیت در معماری روستا

اهداف رفتاری

دانشجو پس از مطالعه این فصل می‌بایست بتواند:

۱. پیش‌زمینه‌ای از مسکن روستایی و استقرار روستا یا آبادی در ذهن داشته باشد و بتواند متناسب با تأثیرپذیری روستاها از تغییر تحولات از نظر گرایش‌های استقرار فضایی و ارتباطشان با شبکه شهرها، روستاها را به گروه‌های متفاوت تقسیم کند.
۲. تمایز شهر و روستا را بفهمد و تعریف هر یک را بداند.
۳. معماری روستایی و انواع خانه‌های روستایی را تشخیص دهد و خصوصیات آن را تشخیص دهد.

مقدمه

در گذشته‌های دور، استقرار یک روستا و یا آبادی در فلات ایران، در مکان مشخصی، به علت «بسته» و «خودمصرف» بودن ساختار اقتصادی- اجتماعی‌اش، کمتر تحت تأثیر عوامل خارج از روستا یا فرضاً تأثیر شهر و یا بازار بوده است. روستاهای ایران غالباً

استقرارشان تابع امکانات زیستی در هر منطقه: مانند وجود آب، زمین زراعی و مانند آن می‌باشد. اکثر قریب به اتفاق روستاهای ایران به علت «خودمصرفی» و بنابراین، وابستگی غالب آن‌ها به امکانات طبیعی با روستاهای دیگر و همچنین با شهرها، ارتباط ضروری چندانی (ارتباطی که برای موجودیت یک جمع روستایی و ادامه بقا آن‌ها تعیین کننده باشد، مانند وجود بازاری مطمئن برای عرضه محصولات و غیره) نداشته‌اند.

به علت ضعف ارتباط میان روستاها و همین‌طور میان شهر و روستا، استقرار فضایی روستاها در ایران را نمی‌توان به صورت یک ساختار فضایی که دارای اجزای به هم پیوسته‌ای باشند، مطرح کرد. شهر و روستای سرزمین ایران و یا مناطق مشابه آن ساختار فضایی دارند با اجزایی کم ارتباط و مجزا از یکدیگر. یعنی اگر بخش روستایی را به صورت یک «ساختار فضایی» موردنظر قرار دهیم که اجزای آن با یکدیگر دارای ارتباط عملکردی و پیوند مداوم و متقابل باشند، این ارتباط می‌بایست در هر محل و منطقه از طریق شهرهایی که روستاها تابع آنند شکل می‌گرفت. سابق بر این اصولاً چنین پیوند «عملکردی» وجود چندانی نداشته است. ارتباط شهر و روستا به نیازهای بسیار محدود زیستی روستاییان در رابطه با اخذ مالیات، سهم ارباب، توسط عمال حکومتی و یا مالکین، در روستاهای غیر خرده مالکی، محدود می‌شد.

در یکصد سال گذشته هرچند ارتباط شهر و روستا افزایش یافته، ولی این ارتباط بیشتر به تغییر در حوزه مصرف روستا مربوط بوده، تا حوزه تولید آن؛ اگر در ساختار تولید برخی روستاها تغییرات جزیی ایجاد شد، محدود به روستاهایی می‌شد که در جوار شهرهای بزرگ قرار داشتند.

هرچند در حوزه تولید روستا، تحول عمده‌ای به وقوع نپیوست، ولی تحت‌تأثیر تحولات بخش شهری، مناسبات بازار به آن وارد شد. از آن جمله هر نوع کاری مزدی شد. بخشی از تولیدات غیرکشاورزی نظیر پوشاک، سوخت، ابزار که قبلاً در روستا تولید می‌شدند رفته رفته تولیدشان منسوخ شد. ولی با ادامه کم‌وبیش «نامنظم» مبادله روستا با شهر و بقای ساختار سنتی تولید (عمدتاً خود مصرف)، انباشت سرمایه در حوزه تولید روستا به حدی نرسید که ارتباط آن با بازار (شهر) را «مداوم» و «منظم» گرداند. بدین ترتیب ارتباط شهر و روستا در همه زمینه‌ها ضعیف، محدود و به‌طور کلی

«عقب‌مانده» و «توسعه‌نیافته» باقی ماند. ارتباط مورد نظر به صورتی توسعه نیافت که موجب گسترش سیستم و شبکه شهرها و زیرساخت‌های مربوط به آن‌ها شود. بنابراین، ساده‌اندیشی است اگر در چنین وضعیتی، بپنداریم با ایجاد این یا آن زیرساخت، همچون راه‌های ارتباطی و نظیر آن، روستاها توسعه می‌یابند. زیرا کمبود زیرساخت‌ها خود معلول بقای عقب‌ماندگی و توسعه نیافتن حوزه تولید بخش روستایی است. یعنی با تحقق توسعه و از میان رفتن موانع آن است که زیرساخت‌های فیزیکی و غیره به وجود می‌آیند. به همین خاطر در ایران، کم‌وبیش شاهد این واقعیت هستیم که بسیاری از زیرساخت‌های احداث شده، آن چنان که انتظار می‌رفته، توسعه‌ای را موجب نشده‌اند.

روستاها را می‌توان متناسب با تأثیرپذیری آن‌ها از تغییر و تحولات، از نظر گرایش‌های استقرار فضایی و ارتباطشان با شبکه شهرها، در سطحی بسیار کلی، احتمالاً به سه گروه عمده تقسیم کرد.

گروه اول. استقرارهایی که دارای امکانات طبیعی و عرصه فضایی بیشتری بوده و کم و بیش نزدیک و یا در حاشیه شهرهای بزرگ قرار گرفته‌اند. در واقع، روستاها و یا مراکز کشاورزی که فعالیتشان نخست منحصر به کشاورزی و دامداری شده، سپس این فعالیت به تولید یکی دو محصول، محدود شده (نوعی تخصصی شدن تولید) مانند تولیدکنندگان چای و برنج در استان‌های شمالی، پنبه در گرگان، غلات در گرگان، آذربایجان و سایر استان‌های تولیدکننده عمده غلات، پسته در رفسنجان، نیشکر در خوزستان و سایر محصولات باغی در اطراف برخی شهرهای بزرگ، بالاخره کشت و صنعت‌های نسبتاً تخصصی دیگر، در جیرفت، دشت مغان و غیره. این مناطق، کم و بیش در شرایط جدید وضعی تثبیت شده داشته و به تدریج به نوعی «یگانگی» نسبی با بازار نایل می‌آیند. با توسعه بیشتر بخش کشاورزی و از میان رفتن موانع رشد در این بخش، یگانگی فوق تقویت شده، نهایتاً باعث توسعه‌یافتگی بیشتر این مناطق خواهد شد.

گروه دوم. روستاهایی که کم و بیش به مراکز جمعیتی بزرگ نزدیک بوده، ولی از نظر امکانات طبیعی و عرصه زراعی آنچنان امکاناتی ندارند، که بتوانند در مقیاس وسیع‌تری تولید کنند. فعالیت کشاورزی آن‌ها محدود بوده و امروزه بیشتر متکی به

امکاناتی هستند که به طور مختلف از شهر دریافت می کنند. اکثراً دارای جمعیت بومی بسیار کمی بوده و بعضاً در فصل تابستان توسط ساکنان سابق و یا دیگریانی که ساکن شهرهای بزرگ مجاور بوده به ویژه شهر تهران مورد استفاده قرار می گیرند.

گروه سوم. روستاهایی هستند که نه دارای امکانات طبیعی کافی بوده که بتوانند حوزه و حجم تولید خود را توسعه دهند، نه در نزدیکی مراکز مهم شهری، به ویژه تهران قرار دارند. این روستاها که تعدادشان هم کم نیست، فعلاً دچار رکودند.

بدین ترتیب، متناسب با تفاوت کیفی میان گروه روستاهای پیش گفته، روابط متقابل آن ها با شهرهایشان هم، متفاوت و ناموزون در حال تغییر و تحول بوده است. برخی کم و بیش با شهرهایشان در حال یگانگی اند. برخی دیگر به کلی منزوی و پس افتاده شده اند. گروهی دیگر نیز وضعی نامشخص و بینابینی را دارند.

در مقابل آنچه درباره تفاوت های ساختاری روند تحولات روستاها به طور خلاصه مطرح شد، می باید این واقعیت را اضافه کرد که، تغییر و تحول شهرها نیز شبیه روندی است که در مورد روستاها در جریان بوده است.

با توجه به روند تحول شهر و روستا امکان ارزیابی دقیق تر ارتباط شهر و روستا، بستگی به نحوه تمایز شهر از روستا خواهد داشت.

طبق آمار ارائه شده توسط مرکز آمار ایران جمعیت کل کشور در سال ۱۳۷۵ کمی بیش از ۶۰ میلیون نفر بوده است. برای همین سال جمعیت شهری حدود ۳۷ میلیون یا بیش از ۶۰ درصد کل جمعیت عنوان شده، بنابراین، آمار جمعیت روستایی سال ۱۳۷۵ حدود ۴۰ درصد کل جمعیت بوده است. در حال حاضر جمعیت ایران به استناد خبر ۲۱ مرداد ۱۳۸۴ ایرنا ۶۷ میلیون، رشد سالانه آن ۱/۵ درصد و جمعیت شهری ۴۴/۷ میلیون یا حدود ۶۷ درصد کل جمعیت عنوان شده است.

همان طور که قبلاً هم مطرح شد، آمار ارائه شده در مورد شمار جمعیت شهری چندان واقعی نیست. زیرا صرف نظر از بزرگ نمایی در مورد جمعیت شهری، مبنی تمایز شهر از روستا که توسط مرکز آمار مورد استفاده قرار گرفته مبنی واقعیت و تمایز قابل قبولی نمی باشد.

در شرایط کنونی، جهت پرهیز از انحراف در برداشتها و نزدیکی به واقعیت می بایست در این مورد در جستجوی تعریف و یا روش دیگری برای تمایز شهر از روستا بود. به عنوان مثال در کشور مکزیک که کشوری در حال توسعه است، صاحب

نظران، جهت تفکیک شهر از روستا به جای یک آستانه جمعیتی، دو آستانه جمعیتی را مبنای تمایز قرار داده‌اند. بدین ترتیب، استقرارهای جمعیتی را سه گونه تقسیم کرده‌اند. نخست، «روستا» با جمعیتی حدود ۳ تا ۴ هزار نفر، سپس «مختلط» با جمعیتی حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر و بالاخره «شهر» بیش از ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر.

البته بااستثنای استقرارهای نسبتاً کم جمعیتی که در جوار مراکز بزرگ صنعتی یا معدنی و غیره قرار دارند، که در عین کم بودن تعداد جمعیت ساکنان آن، کلاً فعالیتی غیرکشاورزی دارند.

به هر حال این یا آن روش، می‌بایست تعریفی را انتخاب نمود که با وضعیت واقعی جامعه ما (با چگونگی مشغولیت واقعی نیروی کار) هماهنگی داشته باشد. نیت این است که «روستا» به استقراری اطلاق شود که مشغولیت اکثریت ساکنین آن کشاورزی است. در مقابل «شهر» به استقراری اطلاق گردد که فعالیت اکثریت جمعیت آن غیرکشاورزی باشد.

هنگامی که شهرها را از نظر کیفیت عملکردشان مورد بررسی قرار می‌دهیم ملاحظه خواهد شد؛ که اگر روستاها در این مرحله (مرحله تغییرات وسیع ساختاری، مرحله در واقع شهری شدن اقتصاد و جامعه، مرحله‌ای که استقرارها و یا اکولوژی کار به وضعیت نسبتاً تثبیت شده‌ای نرسیده‌اند و بالاخره مرحله تحقق توسعه) با ناهمگونی و ناموزونی مواجه‌اند؛ وضع شهرها نیز کم و بیش به همان صورت است. در مناطقی که روستاها در رکودند، شهرها نیز دچار رکود و ضعف ساختاری‌اند.

اگر مبنای تفاوت میان شهرهای کشور، متناسب با میزان جمعیت و سلسله مراتب آن دانسته شده و براساس آن شهرها را گروه‌بندی کنیم؛ قطعاً چنین گروه‌بندی، در شرایط حاضر، برای درک و شناخت تفاوت‌های کلی شهرها کافی نخواهد بود. بنابراین در وضعیت کنونی می‌باید علاوه بر توجه به مرتبه جمعیتی شهرها نسبت به یکدیگر، مطالعات عمیق و همه جانبه‌تری در جهت نوعی تیپ‌بندی ساختاری شهرها نیز انجام داد.

از آنجا که ارتباط شهر و روستا، به علل تاریخی - ساختاری، توسعه چندانی نیافت. تحولات بعدی شهرها خاصه، تهران، تقریباً مستقل از بخش روستایی یا حتی ارتباط بین شهرهای کشور، به وقوع پیوست.

روستاها و شهرهای کشور اکثراً با فروپاشی ساختاری مواجه بوده‌اند. رابطه شهر و روستا در ابعاد مختلف عقب مانده باقی ماند. شهرها هم کم‌وبیش منزوی و مستقل از یکدیگر،

یا شاهد تغییراتی بودند و یا اینکه در رکود و انزوا بسر می‌بردند. در چنین وضعیتی، آرایش شهرها در فضای ملی و کیفیت ارتباط آن‌ها با یکدیگر در قالب «شبکه» و «سیستم» شهرها وضعیت خاصی به خود گرفت. وضعیتی، که بدون بررسی و تجزیه و تحلیل همه‌جانبه آن، واقعاً تبیین کیفیت عملکرد شهرها، به‌خصوص کلان شهر تهران، تقریباً غیرممکن خواهد بود.

۱-۱ معماری و امنیت معماری در روستا

۱-۱-۱ معماری در روستا

واحدهای مسکونی خانواده‌های سنتی روستایی از یک سو تحت‌تأثیر اقلیم و شرایط محیط طبیعی است و از سوی دیگر با الگوی معیشت خانواده‌ها در ارتباط است. به‌طور عمده خانواده‌های روستایی در ساخت مسکن از امکانات محیط پیرامون خود و مواد و مصالحی که در طبیعت وجود دارد، بهره می‌برند. روستاییان ساکن دهکده‌های جنگلی در ساختن خانه‌ها بیشتر چوب به‌کار می‌برند. دیوارها، کف و سقف اتاق چوبی است. حتی پوشش بسیاری از واحدهای مسکونی مناطق جنگلی از قطعه‌های تخته به طول ۸۰ تا ۹۰ و عرض ۳۰ تا ۴۰ و قطر ۴ سانتی‌متر به نام لات^۱ تهیه می‌شود که در پشت بام به شکل خاصی آن‌ها را روی هم سوار می‌کنند.

در گیلان- به‌ویژه ناحیه‌های جنگلی- استخوان بندی خانه‌های سنتی از جنس چوب و پوشش بام‌ها از مواد گیاهی (گالی) است. مصالح ساختمانی خانه‌های روستایی و سنتی را از محیط پیرامون و از نزدیکی بنای خانه به دست می‌آورند و برای تبدیل این مصالح و یک رشته اعمال پیچیده فنی کاری انجام نمی‌دهند. اغلب خانه‌ها را با پرچین‌هایی از جنس نی و شاخ و برگ درختان محصور می‌کنند. در روستاهای مناطق کوهستانی سنگ و گل مصالح عمده ساختمانی سنتی را تشکیل می‌دهد.

در دشت‌های مرکزی و سرزمین‌های حاشیه کویر، خانه‌ها خشت و گلی و با دیوارهای ضخیم ساخته می‌شود و اغلب به صورت سقف گنبدی (جنوبی) یا گهواره‌ای است تا گرمای محیط به درون اتاق نفوذ نکند. بر بالای بام بعضی از خانه‌ها بادگیرهایی

1. Lat

جهت تهویه هوا ایجاد شده است. سقف خانه‌های سنتی گنبدی شکل است و شعاع داخلی گنبدها از ۲ تا ۳ متر نوسان دارد.

به بالای هر گنبد روزنه‌ای به منظور جریان هوا تعبیر شده است. مصالح عمده خانه‌های سنتی خشت و گل و چوب است ولی در بناهای جدید، آجر، سیمان، آهن و گچ به کار برده می‌شود و سقف آن‌ها صاف و مسطح است. خانه‌های نو ساخته روستایی با شرایط بومی منطبق نیست و رو بنای آن‌ها الگوهای سنتی و قدیمی متناسب با شرایط زندگی خانواده رعایت نمی‌شود. از این جهت خانه‌های جدید فاقد تسهیلات و تجهیزات لازم برای خانواده‌های روستایی است و عملاً آن‌ها را با دشواری مواجه می‌کند.

در مناطق تقریباً خشک ایران گاه ساختمان‌های بلندی با حجم زیاد دیده می‌شود که در وسط کف آن حوض بزرگی وجود دارد. این نوع بناها که به "حوض خانه" معروف است هوای خنک دارد و تابستان‌ها برای حفظ بدن از گرمای طاقت‌فرسای محیط مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در میان ساختمان‌های مورد استفاده کشاورزان، از لحاظ نوع مصالح ساختمانی تنوع قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. خانواده‌های کشاورز و روستایی در بنای واحدهای مسکونی خود از آجر و تیر آهن و چوب استفاده می‌کنند و خانه‌هایشان از تسهیلات و تجهیزات کافی برخوردار است. اما خانواده‌های دهقانان کم‌درآمد سقف خانه‌هایشان تیر چوب و کاه گل است.

۱-۲ انواع خانه‌های روستایی

۱-۲-۱ خانه‌های حصیری (کپری)

حدود ۷۰٪ خانه‌ها حصیری بوده است که در محل «کپر» نامیده می‌شود. این خانه‌ها بسیار ساده است. دیوارها و سقف آن از شاخ و برگ و یاف خرما (سوند-Sevend) ساخته شده و کف آن گلی است. خانه‌های حصیری کم دوام است و اهالی برای رفع این نقص دیوارهای کپر را تا ارتفاعی با گل می‌پوشانند. تا تصادفاً دوام آن در برابر بادهای شدید و طوفان زیادتر شود و بتواند دوام بیاورد. کپر در واقع به منزله سایبانی است که مردم را از حرارت سوزان خورشید محفوظ می‌دارد. در تابستان به هنگام وزش خشک و سوزان روستاییان دیوار و سقف کپر را با آب خیس می‌کنند تا باد

مرطوب شود و از گرمای درون کپر بکاهد.

۱-۲-۲ خانه‌های خشت و گلی

بیشتر این خانه‌ها به کسانی تعلق دارد که از امکانات مالی بیشتری برخوردارند پی خانه‌ها از سنگ و دیوارها از خشت و گل ساخته شده و سقف آن صاف و هموار است.

۱-۲-۳ خانه‌های مخلوط

خانه‌هایی است که از ساختمان خشت و گلی و خانه‌های کپری متصل به هم تشکیل می‌شود. این نوع واحدهای مسکونی اغلب با یک در به کپر ارتباط دارد و برای ورود به اتاق باید از داخل کپر عبور کرد. خانواده‌های روستایی معمولاً در ساختن خانه‌های خشت و گلی از بناهای محلی استفاده می‌کنند. خشت‌ها را خود می‌سازند. در سقف خانه‌ها از چوب گنا شاهی و نخل استفاده می‌کنند و روی آن را با گل می‌پوشانند در ساختمان‌های جدید سیمان و آجر و آهن هم به کار برده می‌شود. میزان تراکم جمعیت در مسکن و در جامعه روستایی ایران بسیار بالاست و خانواده‌های روستایی به‌طور عمده دچار کمبود و ضیق مسکن هستند. مصالح مسکن در میان خانواده‌های روستایی و قشرهای مختلف اجتماعی نیز متفاوت است.

۱-۳ امنیت معماری در روستا

ساکنان اولیه فلات ایران پس از سکونت در میان ارتفاعات و غارها به سوی دشت‌های هموار و مسطح روی آوردند و به ساخت سکونتگاه‌های ابتدایی با ساختمانی بدوی پرداختند. خانه‌های اولیه، معماری بسیار ساده‌ای با استفاده از شاخ و برگ درختان و گل داشتند که می‌توانست امنیت و رفاه نسبی انسان‌ها را تأمین کند. با گذشت زمان و افزایش دانش و تکنولوژی ساخت و همچنین مقابله با طبیعت پیرامون، سکونت در نقاط مختلف جنبه دائمی‌تری پیدا می‌کند و مردم در مجاورت خانه‌های خود به کشاورزی و دامپروری می‌پردازند.

گسترده‌گی و پراکندگی سکونتگاه‌های روستایی در سرزمین پهناور ایران و

همچنین تهدید در برابر حملات و آسیب‌های احتمالی موجب به وجود آمدن تأملی عمیق بین دو مقوله امنیت و معماری در برخی مناطق شده است. امنیت و نظام تدافعی و شیوه مقابله با هجوم بیگانگان، می‌تواند تأثیر زیادی در شکل گسترش سکونتگاه و تغییرات به وجود آمده در بافت کالبدی آن‌ها داشته باشد.

در اغلب روستاهای کویری و دشتی از نظر معماری، دوگونه سامانه تدافعی به کار برده شده است؛ نوع اول سکونتگاه‌هایی را شامل می‌شود که دارای دژ، حصارهای تو در تو و برج و بارو در اطراف روستا هستند و دستیابی به واحدهای مسکونی و ابنیه دیگر از طریق دروازه‌ها صورت می‌پذیرد. اغلب در این سکونتگاه‌ها فضاهای عمومی و مذهبی در داخل حصار تعبیه می‌شود.

نوع دوم روستاهای دارای قلعه هستند که خود به دو گونه تقسیم می‌شوند؛ گونه اول روستاهای قلعه‌ای هستند؛ یعنی مردم همیشه در داخل قلعه زندگی می‌کنند و باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی آن‌ها در بیرون قلعه قرار می‌گیرد. از این نمونه در مسیر راه‌های ارتباطی پرتردد که احتمال تهدید از سوی راهزنان بیشتر است به وفور دیده می‌شود؛ گونه دوم روستاهایی هستند که قلعه‌ای جداگانه در محلی مناسب و نزدیک به خانه‌های مسکونی و زمین‌های زراعی دارند و تنها در هنگام احساس خطر و تهدید از سوی دشمنان به داخل آن پناه می‌برند و مدتی را در آن سپری می‌کنند. معمولاً هر خانوار روستا در این قلعه اتاقی دارد و مقداری آذوقه را در آن انبار می‌کند. در این قلعه‌ها معمولاً فضاهای ضروری ساخته می‌شود و مسأله تأمین آب مصرفی در آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

دهاتی که در معرض هجوم اقوام صحرانشین و یغماگر قرار گرفته‌اند، به ضرورت امر دفاع، شکل تمرکز و مجتمع به خود گرفته‌اند. ساختن دهات قلعه‌ای نیز معلول همین ناامنی‌های اجتماعی به شمار می‌رود. در آن قسمت از نواحی که بر سر راه‌های شهرستان‌های مهم واقع شده و در مسیر کشور گشایان قرار گرفته‌اند و بارها در آن‌ها جنگ روی داده است، احتیاطات معمولی ایجاب می‌کرده است که روستاهای واقع در دشت یا حصار داشته باشند و یا دست‌کم دارای ناحیه مرکزی یا محوطه محصور که به هنگام ضرورت، مردم با چارپایان خود به آن جا پناه ببرند.

در پاره‌ای از روستاها خانه‌های روستاییان در درون قلعه واقع است و دیوارهای

بلند گلی آن را از اطراف احاطه می‌کند و چهار برج استوانه‌ای بلندتر از دیوار، در چهار گوشه آن بنا شده است که نگهبانان قلعه، شب‌ها و زمانی که بیم حمله اقوام بیگانه وجود داشت، در آن جای می‌گرفتند تا اهالی را از چگونگی هجوم دشمن با خبر سازند. قلعه‌ها معمولاً با یک دروازه بزرگ به بیرون ارتباط پیدا می‌کند و بر بالای دروازه اتاقی است که جایگاه دروازه‌بان قلعه بوده است. شب‌ها دروازه را می‌بستند و پشت آن سنگ بزرگی می‌نهادند که کسی نتواند آن را باز کند.

روستاهای قلعه‌ای بیشتر در مناطق جلگه‌ای قرار دارند. در کوهستان‌ها نیاز به دیه‌های محصور کمتر احساس می‌شود، زیرا روستاها اغلب دور از اقوام مهاجم قرار دارند و یا اصولاً ده به گونه‌ای است که امکان تجاوز و حمله به از طرف دشمن وجود ندارد.

شیوه قلعه‌سازی هر چند در اصل با عامل ناامنی ارتباط داشت در عین حال می‌بینیم که در دوره‌هایی که امنیت در روستاها برقرار شده و ناامنی به کلی از میان رفته باز این شیوه معماری منسوخ نشده است. می‌توان گفت که ساختن ده به گونه قلعه، هنگامی که قلعه کارکرد اصلی خود را از دست داده است، نوعی تأخر تغییر زمینه‌های فرهنگی و ادامه سبک معماری سنتی و قدیمی است. علاوه بر آن در مناطقی که بادهای خشک و طوفان‌های شدید همراه با گرد و غبار سبب خرابی شود و خسارت‌هایی برای اهالی به بار آورد، ممکن است قلعه سازی هم چنان معمول باشد و روستاییان برای این که از خط طوفان‌ها در امان باشند خانه‌های خود را درون قلعه و محصور به دیوارهای بلند احداث می‌کنند.

سؤالات چهارگزینه‌ای

۱. در کشور مکزیک جهت تفکیک شهر از روستا چند آستانه جمعیتی را مبنای تمایز قرار داده‌اند؟

- | | |
|---------|---------|
| الف) یک | ب) دو |
| ج) سه | د) چهار |

۲. روستا به کدام مورد اطلاق می‌شود؟

الف) به استقراری که مشغولیت اکثریت ساکنان آن کشاورزی است.

- (ب) به استقراری که مشغولیت اکثریت ساکنان آن دامداری است.
- (ج) به استقراری که مشغولیت اکثریت ساکنان آن غیرکشاورزی است.
- (د) الف و ب
۳. واحدهای مسکونی خانواده‌های روستایی از یک سو تحت تأثیر و از سوی دیگر با در ارتباط است.
- الف) الگوی اقتصادی - اقلیم
- (ب) اقلیم و شرایط محیط طبیعی - الگوی اجتماعی
- (ج) الگوی اقتصادی - الگوی معیشت خانواده‌ها
- (د) اقلیم و شرایط محیط طبیعی - الگوی معیشت خانواده‌ها
۴. حوض‌خانه در کدام مناطق ایران بیشتر دیده می‌شود؟
- الف) تقریباً خشک (ب) گرم و مرطوب
- (ج) معتدل (د) سرد و مرطوب
۵. کپر به چه خانه‌هایی گفته می‌شود؟
- الف) خشت و گلی (ب) مخلوط
- (ج) حصیری (د) همه موارد
۶. روستاهای قلعه‌ای بیشتر در چه مناطقی قرار دارند؟
- الف) تپه‌ای (ب) کوهستانی
- (ج) جلگه‌ای (د) هیچکدام

سؤالات تشریحی

۱. انواع خانه‌های روستایی را نام ببرید.
۲. روستاهای دارای قلعه به چند گروه تقسیم می‌شوند؟ نام برده و توضیح دهید.
۳. در گیلان استخوان‌بندی خانه‌های سنتی چگونه است؟

فصل دوم

فرهنگ روستایی

اهداف کلی

در پایان فصل، دانشجو با مفاهیم زیر آشنا می‌شود:

۱. مفاهیم فرهنگ
۲. ترویج فرهنگ روستایی

اهداف رفتاری

دانشجو پس از مطالعه این فصل می‌بایست بتواند:

۱. فرهنگ را تعریف کند و تعریف فرهنگ را از دیدگاه چند اندیشمند مختلف در ذهن داشته باشد.
۲. عوامل ترویج فرهنگ روستایی و عوامل تأثیرگذار بر آن فرهنگ را بشناسد.

مقدمه

زندگی روستایی و نوع نگرش روستاییان به جهان و طبیعت، امکانات و دانش آن‌ها برای ساخت و تولید و شیوه‌های بهره‌وری باعث می‌شود تا اجزاء محیط مطلوب‌تری و در عین حال رعایت سادگی و برقراری رابطه‌ای منطقی و مکمل بین آن‌ها، با حداکثر کارایی شکل گیرد. این نوع نگرش خاص را فرهنگ آنان می‌نامند، پس لازم می‌باشد این مبحث به‌طور کامل باز گردد تا ابهامی باقی نماند.